

## تاریخ



**اندلس؛ شکوهی که دیگر تکرار نشد**



**حلاجیان** – امروز، سالروز فتح اندلس به دست مسلمانان است. پس از فتح مراکش توسط سپاه اسلام در سال ۹۲ هجری قمری، مسلمانان به فکر فتح شبه‌جزیره ایبری افتادند. شبه‌جزیره ایبری یا همان اندلس، سرزمینی است در جنوب غربی اروپا که امروزه شامل کشور های اسپانیا،پرتغال و منطقه جبل الطارق است. نام جبل الطارق را از سردار فاتح اندلس، طارق بن زیاد گرفتند؛ همو که با کشتی از این تنگه راهبردی عبور کرد و برای نخستین بار، با په اسپانیا ی امروزی گذشت. اندلس از آن‌رو که محل اتصال اروپا و آفریقا ست، برای رومی‌ها معبری بسیار حیاتی محسوب می‌شد. رومیان تا قرن پنجم میلادی، براندلس حکومت کردند؛ تا این که گوته‌ها، اقوام مهاجم اروپای مرکزی، به شبه‌جزیره تاختند و به حکمرانی رومیان پایان دادند. اما دیری نپایید که به علت زور گویی و ظلم پادشاهان گوت، قیام‌هایی مردمی شکل گرفت. همین مسئله باعث شد که در پی‌ورود مسلمانان به اندلس، مردم شبه‌جزیره ایبری دروازه شهرهای خود را به روی مسلمانان بگشایند. مسلمانان پس از فتح اندلس، آزادی مسیحیان و یهودیان اهل این سرزمین را تضمین کردند و با گرفتن جزیه و خراج اسلامی، آن‌ها را در پناه خود گرفتند. اسلام در اندلس، منشأ پیشرفت، شکوفایی، شکل‌گیری نظام‌های اجتماعی و توسعه‌عمرانی این سرزمین شد. شهرهای این خطه، از لحاظ وسعت، ذخایر عمومی و امور ارتباطی، به سرعت ترقی کردند. نهضت علمی‌ای که با ورود اسلام به اندلس پدیدآمده بود، موجب بالندگی و ظهور اندیشمندان بنامی چون ابن رشد، ابن عربی، ابن سید بطلمی‌وسی و… در کتابخانه قرطبه، اندلس امروزی، ۴۰۰ هزار جلد کتاب وجود داشت و این حجم از میراث مکتوب در اندلس اسلامی، در شرایطی جمع‌آوری شد که بزرگ‌ترین کتابخانه‌های اروپای مسیحی، پیش از قرن دوازدهم، بیش از چند صد جلد کتاب نداشت. شکوه اندلس، پس از اشغال آن توسط مسیحیان افراطی و حاکم شدن تفکرات متعجرانه مبتنی بر رونق دادگاه تفتیش عقاید، از بین رفت و اسپانیا و پرتغال که بر ویرانه‌های اندلس ایجاد شدند، دیگر نتوانستند جایگاه علمی و هنری اندلس اسلامی را در اروپا تکرار کنند.



### ۱۰۳ سال تاریخ «تربیت معلم» در ایران

ایجاد مرکزی برای آموزش و تربیت معلمان در سال ۱۲۹۷ ش قم خود؛ زمانی که برای نخستین بار نصیرالدوله، وزیر معارف وقت، دستور ایجادمدارس رازیر نظر وزارتخانه خود صادر کرد و به این ترتیب، نخستین مدرسه‌های دولتی در ایران تأسیس شدند. ایجاد مدرسه به صورت هماهنگ، ایجاد روش‌های آموزش و تربیتی هماهنگ رانیز، ایجاب می‌کرد. به همین دلیل در سال ۱۲۹۷ ش، به همت ابوالحسن خان فروغی و میرزا اسماعیل خان مرآت، در خیابان نادری تهران و در عمارت «شرکت فرهنگ» واقع در «تخت زمرد»، مدرسه‌ای به نام دارالمعلمین مرکزی تأسیس شد که ریاست آن را هم ابوالحسن خان فروغی برعهده گرفت. برنامه درسی این مدرسه، مطابق با برنامه درسی دوره متوسطه بود؛ یعنی افرادی که می‌خواستند معلم شوند، بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی، امتحان می‌دادند و پس از قبولی در آن، وارد دارالمعلمین می‌شدند. با این حال، برای آن‌که معلمان، افزون بر آگاهی‌های علمی، در حوزه علوم تربیتی نیز، مسائل لازم را بدانند و روش تدریس را فراگیرند، درس‌هایی مانند معرفت النفس، منطق و تعلیم و تربیت نیز، در برنامه آموزشی آن‌ها گنجانده شد. طی سال‌های بعد، دارالمعلمین مرکزی توسعه یافت و درس‌های آن نیز، از تنوع بیشتری برخوردار شد. تأسیس مدارس متوسطه توسط وزارت معارف، تربیت معلمان را در سطوح بالاتر آموزشی، ضروری می‌کرد. بر همین اساس، از سال ۱۳۰۱ ش، مجموعه‌ای از استادان سطوح عالی، کار تربیت معلمان مدارس متوسطه را برعهده گرفتند و به نوعی، دارالمعلمین عالی با دانشگاه تربیت معلم فعلی، شکل گرفت. استادان مشغول به تدریس در این دوره، عبارت بودند از غلامحسین خان رهنما، دکتر عیسی‌خان صدیق، مترجم الممالک، میرزا عبدالمظیم قریب، دکتر محمودخان شیمی، فاضل تونی، شیخ محمدحسین گنابادی، عباس اقبال آشتیانی و… در سال ۱۳۰۷ ش، این مجموعه که حدود ۱۰۰ سال از عمر آن می‌گذشت، رسماً به عنوان دارالمعلمین عالی کار خود را ادامه داد و این فعالیت، تا امروز ادامه داشته‌است. بنابر این، می‌توان «تربیت معلم» را در ایران، صاحب‌دستی ۱۰۳ ساله دانست.

# «دکتر شاهین فر» هستند؟

نخستین جراح مشهدی با تلاش‌های بی‌وقفه، همشهری‌های خود را از خدمات پزشکان تهرانی، بی‌نیاز و سرانجام بزرگ‌ترین سرمایه‌عمرش راوقف کرد

**روایت منحصر به فر دروز نامه خراسان ۵۸ سال قبل، از صفات اخلاقی والای دکتر شاهین فر**



تصویری از ساختمان جدید بیمارستان شاهین فر دروز نامه خراسان ۱۴ اردیبهشت ۱۳۴۴



سال ۱۳۴۱ – جلسه دفاع پایان نامه در دانشکده پزشکی مشهد؛ از راست: دکتر بولون دکتر شاهین فر (استاد راهنما) و دکتر محلاتی

**می‌نگرم.**» گزارش دکتر صالحی از مشاهدات خود در بیمارستان، گویای رفتاری است که مرحوم دکتر محمد شاهین فر با بیماران خود داشت. بیمارستان شاهین فر، در سال ۱۳۴۴، صاحب ساختمان بزرگ‌تری شد و خدمات آن به بیماران افزایش یافت.

■ **بازنشستگی از تدریس و جراحی**
دکتر شاهین فر به مدت ۵۰ سال در بیمارستان خود به طبابت پرداخت. او در سال ۱۳۵۸ ش، پس از ۲۴ سال تدریس و طبابت، از دانشکده پزشکی بازنشسته شد و تمام فعالیت خود را در بیمارستانش متمرکز کرد. این وضعیت تا سال ۱۳۷۹ ش که وی در آستانه ۸۰ سالگی قرار گرفت، ادامه داشت. در این سال، مرحوم دکتر شاهین فر، خود را از فعالیت‌های جراحی نیز، بازنشسته کرد و تنها به مدیریت بیمارستان و احیاناً ویزیت بیماران مشغول شد. در سال ۱۳۸۱ ش، او با علم به نیاز روزافزون جامعه به افزایش فضا‌های آموزشی در عرصه پزشکی، بیمارستانی را که سال‌ها برای رونق آن کوشیده بود، بدون هیچ چشم‌داشتی، وقف دانشکده پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد کرد و این بیمارستان، از آن زمان، به عنوان یک موقوفه، در خدمت آموزش پزشکان و پرستاران جوان قرار دارد. دکتر محمد شاهین فر، این پزشک متعهد و صدیق، در ۱۲ اسفند سال ۱۳۹۸، دارفانی را وداع گفت.

سال ۱۳۴۲، در صفحه دوم روزنامه خراسان منتشر شد، آمده‌است: «**بر اثر عارضه بیماری به آقای دکتر محمد شاهین فر مراجعه کردم. پس از معاینه دقیق، دستور بستری شدن مرا برای روز بعد داد. در ساعت مقرر در بیمارستان حاضر و تحت عمل جراحی قرار گرفتم. طی یک هفته اقامت در بیمارستان، شاهد و ناظر جریانات بی‌سابقه‌ای بودم که دور از انصاف دانستم که آن را نادیده انگاشته و مشاهدات خود را برای همشهریان عزیز در صفحه روزنامه منعکس نسازم. بیمارستان شاهین فر تحت نظارت آقای دکتر شاهین فر اداره می‌شود. این مرد شریف با عشق و علاقه‌معمولی، دور در عوامل مادی، به فعالیت شبانه‌روزی خود ادامه می‌دهد و باید اذعان کرد که تمام اوقات شبانه‌روزی نامبرده، وقف آسایش و تأمین رفاه و بهبود حال بیماران است. گاه و بی‌گاه به بالین بیماران حاضر می‌شود و با ادب و تواضع بر دل ریش‌آنان مرمهم‌امید و نشاط و نیرو می‌نهد. آدمی تا چیزی را نبیند و ناظر مشاهدات و واقیعات نباشد، محال است بتواند در اطراف آن موضوع، اظهار نظر کند. من به حکم تصادف این راه را پیموده به عمق نیت و عواطف این دکتر عالی‌مقام پی برده‌ام. ... بر اساسی من تحت تأثیر این عوالم روحانی و ملکوتی قرار گرفتم و به این همه احساسات صادقانه به‌دیده احترام**



نبود. البته آن مرحوم شکسته‌نفسی می‌کرد؛ بخش مهمی از این جراحی‌ها توسط خود او صورت می‌گرفت، اما دکتر حاضر نبود در باره آن‌ها مطالبی را باز گو کند. با تأسیس دانشکده پزشکی مشهد در سال ۱۳۲۸ ش، دکتر شاهین فر به عنوان یکی از استادان آن، به تدریس درس‌های مربوط به جراحی و دیگر دانش‌های مرتبط با پزشکی پرداخت.

■ **نخستین بیمارستان خصوصی مشهد**
تأسیس بیمارستان توسط دکتر شاهین فر در انتهای بازارچه سراب مشهد و در قلب این شهر، یک اتفاق مبارک بود. دکتر محمد شاهین فر، در سال ۱۳۳۶ ش، این بیمارستان را با هزینه شخصی ساخت و به تدریج، تعداد تخت‌های آن را به ۱۰۰ عدد رساند. بیمارستان او را، نخستین بیمارستان خصوصی مشهد می‌دانند. دکتر شاهین فر عمل‌های جراحی خود را در این بیمارستان انجام می‌داد. در همین مکان بود که چهره واقعی او به عنوان پزشکی متعهد و خدوم، برای مردم مشهد آشکار شد؛ آن‌گونه که سبل تشکر و سپاس بیماران از او، در روزنامه‌های محلی و به‌خصوص روزنامه خراسان روان شد. در یک مورد، فردی به نام دکتر صالحی، به ارائه گزارش‌ی از ایام بستری خود در بیمارستان شاهین فر و رفتار انسان‌دوستانه آن پزشک ارجمند پرداخته است. در این نوشتار که در هشتم اردیبهشت‌ماه

نماده دکتر صالحی، یکی از بیماران دکتر شاهین فر که در روزنامه خراسان هشتم اردیبهشت ۱۳۴۲ چاپ شد و در متن به آن اشاره شده‌است

و با وجود آن که دوران تحصیل او مصادف با هجوم متفقین و اشغال ایران شد، توانست ظرف شش سال، تحصیلات خود را در رشته پزشکی به پایان برساند و فارغ‌التحصیل شود. وی نزد استادان دانشکده پزشکی، به عنوان دانشجویی مستعد، پر حافظه و خلّاق شناخته می‌شد و به همین دلیل، او را به سمت معلم افتخاری تشریح در دانشکده منصوب کردند. یک‌سال بعد، دکتر شاهین فر به عنوان استادیار در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران، مشغول به کار شد. اما واقعیت آن بود که آن مرحوم، بیش از هر جای، به شهر و زادگاه خودش علاقه داشت و به دنبال موقعیتی بود که بتواند به مشهد بازگردد. هنگامی که شنید قرار است بخش جراحی بیمارستان امام رضا(ع) راه‌اندازی شود، دعوت متولیان این بیمارستان را که به نوعی، مرکزی آموزش هم بود، پذیرفت و در سال ۱۳۲۵ ش، با درجه دانشیاری به استخدام این بیمارستان درآمد.

■ **دستیار و مترجم دکتر عبدا... بولون**
در همان ایام بود که پزشکی لژیکی به عنوان رئیس بخش جراحی بیمارستان امام رضا(ع) استخدام شد؛ دکتر «روش بولون» که برای همه مشهدی‌های قدیمی، شخصیتی شناخته‌شده و نام‌آشنا ست. او برای نخستین بار در ایران، بخش جراحی را به شیوه‌ای نوین در بیمارستان امام رضا(ع) افتتاح کرد و زنده‌یاد دکتر شاهین فر به عنوان مترجم و دستیار او در بخش، مشغول به کار شد. دکتر بولون بعدها، ضمن انجام عمل جراحی بر روی آیت‌ا... العظمی میلانی و شنیدن اذکاری که آن مرجع بزرگ تقلید، هنگام به‌هوش آمدن بر زبان می‌راند، تحت تأثیر قرار گرفت و با ادای شهادتین نزد ایشان، مسلمان شد و نام «عبدا...» را برای خودش انتخاب کرد؛ مزار دکتر عبدا... بولون در خواجهربیع قرار دارد. بگذریم؛ مرحوم دکتر شاهین فر تا سال ۱۳۳۶ ش در بیمارستان امام رضا(ع) خدمت کرد. او می‌گفت که در این مدت، جراحی در این بیمارستان به اوج اعتلای خودش رسید و جراحان زبردست آن، کارهایی انجام می‌دادند که در تهران قابل انجام



**«مشهدی حسین باغبان»؛ سوژه عکاسی شاه قاجار!**



زیر آن درج شده، نام مشهدی حسین را در تاریخ ماندگار کرده‌است. عکس در رمضان سال ۱۳۱۰ (فروردین ۱۲۷۲)، اواخر حکومت ناصرالدین‌شاه برداشته شده و احتمالاً، مشهدی حسین به دلیل ضعف روزه در این وضعیت خوایش برده‌است. به دستور شاه قاجار، زیر عکس نوشته‌اند: «بتاریخ چهاردهم‌ماه رمضان ایلان‌تیل ۱۳۱۰ و چهاردهم [ماه] حمل بود. اعلیحضرت قبل از نهار (منظور ظهر است) در حیاط گلستان تفرج می‌فرمودند. در میان جزیره (؟) این شخصی که مشهدی حسین، باغبان همین حیاط گلستان است، به همین وضعیت بر روی نیم تخت در میان جزیره خوابیده [بود]. ملاحظه فرمودند چون موضع غربیی خوابیده بود، به عکاس فرمایش فرمودند باهستگی در حالت خواب از او عکس انداخت.»

از زمانی که دستگاه عکاسی وارد ایران شد، به‌ویژه از دوره ناصری به بعد، شاهان قاجار شخصا با استفاده از عکاس‌بانی مخصوص، اقدام به گرفتن عکس‌های مختلفی می‌کردند که برخی از آن‌ها امروزه به عنوان تصاویر ویژه و خاص این دوره، قابل بررسی است و می‌توان اطلاعات ذی‌قیمتی از آن به دست آورد. تعدادی از این تصاویر، مربوط به مواردی است که سوژه آن‌ها، از سوزش‌ن خودشی‌بی خبر است و به قول امروزی‌ها، عکس به صورت «پوهی» برداشته شده‌است ا در قاب تاریخ امروز، تصویری از مشهدی حسین باغبان را می‌بینید؛ او در دوره ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه در کاخ گلستان به باغبانی مشغول بود. هیچ اطلاعی در باره زندگی وی در دست نیست؛ تنها همین عکس و نوشته‌ای که به دستور شاه قاجار



که اینکاها پدید آورده بودند، به صورتی سخت گیرانه اعمال می‌شد و قوام امپراتوری را وابسته به آن‌ها می‌دانستند. اینکاها نخستین قومی در جهان هستند که قوانینی درباره حمایت از معلولان وضع کردند. در حکومت آن‌ها، پسران باید در ۲۴ سالگی و دختران در ۱۸ سالگی متأهل می‌شدند و مجرد بعد از این سن، گناهی نابخشودنی محسوب و متمرد با مجازات سختی روبه‌رو می‌شد. برخی از مورخان، امپراتوری اینکا را در اوج شکوه، با امپراتوری‌های بزرگ تاریخ، مانند ایران و روم مقایسه می‌کنند.

به «ساپا اینکا» (رهبر بزرگ اینکاها)، بخش‌های وسیعی از کوهپایه‌های غربی سلسله جبال «آند» را از آن خود کرد. او دولتی فدرالی را پدید آورد که در آن، هر شهر در امور داخلی خود استقلال داشت و تنها در امور ملی، از رهبر اینکاها تبعیت می‌کرد. برخی‌ویه اداره این امپراتوری را نوعی روش کمونیستی دانسته‌اند که البته از نظر محتوا، بسیار دور از ذهن است. در دوران حکومت «هوینا کاپاک»، نوه اپاچاکوتی، بازدهمین فرمانروای اینکا، قدرت نظامی و سیاسی این امپراتوری به اوج خودش رسید. در این دوره، قوانین حاکم بر جامعه‌ای

در تاریخ آمریکای جنوبی، اینکا

که بین سال‌های ۱۴۳۸ تا ۱۵۳۳ میلادی قدرت را در غرب این منطقه و سواحل اقیانوس آرام در اختیار داشت، حکومتی مدرن، با شاخص‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی بسیار پیشرفته محسوب می‌شد. این امپراتوری، در اوج قدرت خود، کشورهای امروزی پرو، اکوادور، بولیوی و نیز، بخش‌هایی از آرژانتین، شیلی و کلمبیا را در بر می‌گرفت و تا زمانی که اسپانیایی‌ها با استفاده از سلاح‌های گرم و قاترهای وحشیانه خود، به این تمدن بزرگ خامنه‌نداده بودند، در اوج اعتلای آن داشت. اینکاها تاریخ خود را به ۱۰ هزار سال قبل بازمی‌گردانند. امروزه، مجموعه‌ای از اساطیر این قوم در دست است که نشان می‌دهد آن‌ها از جایی در شمال و شاید منطقه کانادا ای امروزی، به سوی جنوب مهاجرت کردند و در غرب آمریکای جنوبی ساکن شدند. تمدن آن‌ها در آغاز، تنها یک دولت–شهر کوچک را در منطقه «کوزکو» در بر می‌گرفت، اما در ابتدای قرن پانزدهم میلادی، اپاچاکوتی، مشهور